

بررسی تأثیر دو مؤلفه نحوی وجهیت و تعدی در باز نمود خود و دیگری در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی

اعظم استاجی^۱

زهرا حامدی شیروان^۲

دریافت ۱۳۸۹/۲/۲۲ تایید ۱۳۸۹/۵/۱۵

چکیده

در این پژوهش با استفاده از مفاهیم و ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل گفتمان انتقادی (با بررسی دو مؤلفه تعدی و وجهیت در چهل متن منتخب از روزنامه‌ها) چگونگی باز نمود خود و دیگری، در پاره‌ای از متون مطبوعاتی معاصر نشان داده شده است. تئورون دایک معتقد است در متون مختلف (از جمله متون مطبوعاتی و سیاسی) تمایل غالب این است که خود و گروه خودی، همواره باز نمودی مثبت و دیگران و گروه مقابل باز نمودی منفی داشته باشند. نویسندگان این کار را توسط برجسته‌سازی و تأکید بر خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی مثبت ما و منفی آن‌ها (گروه مقابل) و ناچیز انگاشتن و رفع تأکید از خصوصیات و فعالیت‌های مثبت آن‌ها و منفی ما، انجام می‌دهند. در تحلیل و بررسی داده‌ای پژوهش مشاهده شد که انتخاب‌های نحوی تعدی و وجهیت در راستای همین استراتژی، یعنی منفی نشان دادن گروه مقابل و مثبت نشان دادن گروه خودی هستند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، مطبوعات، تعدی، وجهیت، گروه خودی، گروه مقابل.

stajiz@yahoo.com

hamedishirvan@gmail.com

1- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

2- کارشناس ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

تحلیل گفتمان، حوزه مطالعاتی میان رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، نقد ادبی و زبان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در تحلیل گفتمان، معمولاً به تحلیل ناگفته‌های یک متن می‌پردازند. برای مثال در تحلیل متون روزنامه‌ای، آنچه که نویسنده نمی‌خواهد یا نمی‌تواند بگوید، بیشتر مدنظر است. این ناگفته‌ها از طرق مختلفی مانند واژگان یک متن و معانی آن‌ها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، از پیش‌انگاری‌های موجود در متون و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی، می‌توانند آشکار شوند. متون، نتایج و عواقب متعددی دارند؛ آن‌ها می‌توانند نگرش، عقاید یا کردار و رفتار افراد را تغییر دهند.

بنابراین، متون مختلف روزنامه‌ها اعم از مقاله، سرمقاله، عناوین، گزارش‌های خبری، مصاحبه و گفتگوها و ... می‌توانند نقش مهم و مؤثری در تغییر یا تثبیت نگرش‌ها، عقاید و رفتار و کردار افراد جامعه داشته باشند. چرا که در زندگی روزمره و به ویژه در رویدادهای مهم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، یکی از مهم‌ترین منابعی که افراد جامعه جهت کسب اطلاع و آگاهی، در دسترس داشته و به آن مراجعه می‌کنند، مطبوعات است. بدین ترتیب می‌توان گفت در تحلیل گفتمان یکی از مهم‌ترین انواع گفتمان‌ها، به علت برخورد اقشار متعدد و متنوع جامعه با آن، گفتمان مطبوعات است. می‌توان گفت هر نویسنده‌ای با کاربرد گفتمان یا گفتمان‌های خاصی، علاوه بر اینکه دیدگاه‌ها و نظریات خود را ارائه می‌دهد، در شکل‌دهی ایدئولوژی‌ها و طرز فکر مخاطبان، نیز نقش بسزایی دارد.

در این پژوهش از دو مؤلفه نحوی وجهیت و تعدی که در رویکردهای تحلیل گفتمان برای بررسی متون استفاده می‌شود و همچنین مفهوم مربع ایدئولوژیکی مطرح شده توسط ون دایک بهره گرفته شده، تا نشان دهیم؛ چگونه کاربرد متفاوت این مؤلفه‌ها می‌تواند به بازنمودهای مختلف و حتی متضاد یک موضوع واحد در مطبوعات مختلف (در واقع در مطبوعات دو گروه به اصطلاح^۱ اصلاح‌طلب و محافظه‌کار) بیانجامد. این پژوهش می‌تواند

۱- در اینجا از واژه به اصطلاح استفاده شده است، چرا که واژه‌هایی مثل راست و چپ یا همان محافظه‌کار و اصلاح‌طلب معنا و مفهوم واقعی احزاب و جناح‌های سیاسی کشور را به طور کامل نمی‌رسانند و همچنین هر یک خود دارای انشعابات و زیرمجموعه‌هایی هستند که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست؛ اما به دلیل جا افتاده‌گی و مرسوم شدن این واژه‌ها، در طول این پژوهش به کار می‌روند.

مخاطبان مطبوعات را در مطالعه متون مطبوعاتی، به تیزبینی و نکته‌سنجی بیشتری ترغیب نماید.

۱. مفاهیم نظری پژوهش

۱-۱. گفتمان، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

از آنجا که مفهوم گفتمان در تعاریف تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان، یک مفهوم کلیدی و مهم است، در ابتدا توضیح مختصری از این مفهوم ارائه می‌شود. در میان تعاریف فراوان و مختلف و گاه‌گاه متضادی که درباره گفتمان توسط صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف بیان شده، باربارا جانستون^۱ (۲۰۰۸)، تقسیم‌بندی دوگانه‌ای از معنای واژه گفتمان ارائه داده است که با مفهوم گفتمان مدنظر در این پژوهش نیز سازگاری دارد. او می‌گوید، می‌توان گفتمان را یک اسم غیر قابل شمارش^۲ و یا یک اسم قابل شمارش^۳ در نظر گرفت. در این صورت گفتمان به عنوان یک اسم غیرقابل شمارش به معنی «نمودهای عینی و واقعی کنش ارتباطی با به کارگیری ابزار زبان»^۴ است؛ اگر گفتمان به صورت یک اسم قابل شمارش به کار رود (که در این صورت می‌توان آن را به صورت جمع هم به کار برد)، آن وقت به معنای «روش‌های خاص سخن گفتن، که منعکس کننده طرز فکرهای خاص است، علاوه بر این، خود نیز آن طرز فکرها را شکل می‌دهند» خواهد بود؛ این روش‌های به هم پیوسته طرز تفکر و سخن گفتن، ایدئولوژی‌ها را می‌سازند و کارشان این است که قدرت را در جامعه به جریان درآورند. برخی از تحلیلگران این دو معنای گفتمان را در نوشتار به صورتی مجزا از هم نشان می‌دهند؛ بدین صورت که گفتمان در کاربرد اول را (غیرقابل شمارش) با حرف بزرگ آغاز می‌کنند و گفتمان در کاربرد دوم را (قابل شمارش) با حرف کوچک (جانستون، ۲۰۰۸: ۲). در منابع مختلف در رابطه با خاستگاه و منشأ تحلیل گفتمان، نظرات مختلفی ارائه شده. برخی آن را به زلیگ هریس و دهه ۵۰ میلادی نسبت می‌دهند، عده‌ای دیگر به اوایل دهه ۶۰ و حتی برخی به گذشته‌های دورتر و دوران ارسطو. اما در مجموع، می‌توان تقریباً نقطه اشتراک و توافق اکثر نظریات و دیدگاه‌ها در مورد منشأ تحلیل گفتمان را در نیمه دوم قرن بیستم دانست.

1. Barbara Johnstone

2. A mass noun

3. A countable noun

4. In the medium of language

تحلیل گفتمان را می‌توان واکنشی در برابر شکل سنتی‌تر زبان‌شناسی (زبان‌شناسی صوری، ساختاری) دانست که بر واحدهای متشکله و ساختار جمله تمرکز می‌کند و سر و کاری با تحلیل زبان کاربردی ندارد. مسئله تحلیل گفتمان بر خلاف زبان‌شناسی صوری، عبارتست از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله - یعنی روابط دستوری چون فاعل، فعل، مفعول - به سطح متن بزرگتر (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۱). می‌توان گفت شالوده‌ها و بنیان‌های اکثر تعاریف و نظریات موجود درباره تحلیل گفتمان، ریشه در دو گرایش مهم در زبان‌شناسی؛ یعنی ساختگرایی و نقشگرایی دارند. آن‌هایی که تحلیل گفتمان را به مثابه «تحلیل زبان فراتر از سطح جمله» در نظر می‌گیرند، ساختگرا و آن‌هایی که گفتمان را به مثابه «زبان به هنگام کاربرد» می‌دانند، نقشگرا هستند.

تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند. در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به حکمت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو^۱ و دیگر متفکران برجسته مغرب زمین، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

دهه هفتاد میلادی شاهد صورتی از تحلیل گفتمان و متن بود که به نقش زبان در سازماندهی روابط قدرت در جامعه توجه داشته و به آن آگاه بود. در آن دوران، اکثر پژوهش‌های زبان‌شناختی بر جنبه‌های صوری زبان متمرکز بودند که توانش زبانی سخنگویان را تشکیل می‌داد که می‌توان آن را از جنبه‌های خاص کاربرد زبان مجزا کرد. در جایی که رابطه بین زبان و بافت مد نظر بود (مثلاً در توانش کاربردی زبان)، هنوز جمله و سازه‌های تشکیل دهنده آن، به عنوان واحدهای پایه زبانی در نظر گرفته می‌شدند. هدف اکثر پژوهش‌های جامعه‌شناختی زبان در آن دوران، توصیف و توضیح تنوع زبانی، تغییر زبان و ساختار تعاملات ارتباطی بود و توجه کمی به موضوعاتی مثل سلسله مراتب اجتماعی و قدرت می‌شد. در چنین فضایی توجه به متون، تولید و تفسیر آن‌ها و رابطه آن‌ها با ساختارها و حرکت‌های اجتماعی، نشانگر یک نوع علاقه کاملاً متفاوت بود. برخی از فرضیات پایه در زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی، که در مراحل اولیه هم بسیار مهم بودند عبارتند از اینک:

۱. زبان یک پدیده اجتماعی است.

۲. نه تنها افراد بلکه گروه‌ها و نهادهای اجتماعی هم، معانی و ارزش‌های خاصی دارند که در زبان به روش‌های نظام‌مندی بیان می‌شوند.

۳. واحدهای زبانی مدنظر در ارتباط، متون هستند.

۴. خوانندگان/ شنوندگان در رابطه با متون به عنوان شرکت‌کنندگانی غیر فعال نیستند.

۵. بین زبان علم و زبان نهادها و غیره، شباهت‌هایی وجود دارد (وداک، ۲۰۰۱: ۵).

جانستون (۲۰۰۸) معتقد است ایده نظری کنترل‌کننده در پس تحلیل انتقادی گفتمان، این است که متون از مهم‌ترین راه‌هایی هستند که ایدئولوژی توسط آن‌ها جریان می‌یابد و باز تولید می‌شود، که خود این متون برای تولید، گردش و دریافت خود، درون یک سری ساز و کارهای گفتمانی قرار دارند و این ساز و کارهای گفتمانی هم، درون یکسری ساز و کارهای اجتماعی. هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که کشف کند گفتمان و ایدئولوژی چگونه به هم مربوطند و در هم تنیده شده‌اند.

روش‌های سخن گفتن، طرز تفکر را تولید و باز تولید می‌کنند. طرز تفکر را می‌توان با گزینش‌های دستوری، سبکی، واژگانی و هر جنبه دیگری از گفتمان، کنترل کرد. هر گزینش زبانی - نه تنها هر گزینش در رابطه با چگونگی تولید زبان، بلکه هر گزینشی درباره چگونگی تفسیر آن نیز- نوعی انتخاب است در چگونگی مفصل‌بندی و توصیف جهان. هر انتخابی استراتژیک است؛ به این معنا که هر گزاره‌ای، روشی است برای برای مشاهده دنیا به دلخواه آن انتخاب و نه انتخاب‌های دیگر (جانستون، ۲۰۰۸: ۵۳).

۲-۱. مربع ایدئولوژیک ون دایک

تئون ون دایک، در مجموعه‌ای از مطالعاتش، ابزاری مفهومی، به نام مربع ایدئولوژیک^۱ ارائه داده است که این ابزار، چگونگی انتخاب از میان راهبردهای ارجاعی را تعیین می‌کند. او معتقد است، مربع ایدئولوژیک، یک باز نمود مثبت از خود و باز نمودی منفی از دیگران ارائه می‌دهد؛ این ابزار، راهی برای ادراک و به تصویر کشاندن جهان و به ویژه اعمال ما و دیگران و جایگاه و نقش ما و آن‌ها در جهان می‌باشد. مربع ایدئولوژیک، پیش‌بینی می‌کند که بیگانگان^۲ از هر نوعی باز نمودی منفی داشته و خودی‌ها^۳ همیشه باز نمودی مثبت دارند. این کار توسط تأکید و برجسته‌سازی خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها و ناچیز انگاشتن خصوصیات و

1. Ideological Square

2. Outsiders

3. Insiders

فعالیت‌های مثبت آن‌ها، انجام می‌شود. بر عکس، خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی مثبت خودی‌ها، برجسته شده و خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها کمرنگ می‌شوند. این مربع ایدئولوژیک، در تمامی ابعاد زبانی یک متن، قابل مشاهده است. برای مثال اصطلاحات و تعبیرات مثبت، برای ارجاع به خود به کار رفته و تعبیرات و اصطلاحات منفی برای ارجاع به دیگران استفاده می‌شوند (ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۵۱)؛ در این پژوهش، باز نمود این راهبرد در ساختار نحوی جملات با بررسی دو مؤلفه تعدی و وجهیت نشان داده می‌شود.

بنابراین به طور خلاصه اضلاع این مربع ایدئولوژیک عبارتند از:

۱. برجسته‌سازی و تأکید بر نکات مثبت ما؛

۲. برجسته‌سازی و تأکید بر نکات منفی آن‌ها؛

۳. رفع تأکید از نکات منفی ما؛

۴. رفع تأکید از نکات مثبت آن‌ها

۲. روش تحقیق

۲-۱. داده‌های پژوهش: در هر روزنامه‌ای درباره یک رویداد مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ... مطالب متنوعی از قبیل سرمقاله، مقاله، مصاحبه با صاحب‌نظران و افراد آگاه، گزارش، خبر، بیانیه و غیره تهیه می‌شود. در این پژوهش، از بین مجموعه مطالب متنوع موجود مربوط به استیضاح وزیر ارشاد در روزنامه‌های کثیرالانتشار، به بررسی و تحلیل سرمقالات و مقاله‌های تحلیلی - خبری صفحات اول و دوم پرداخته شده است. این مطالب عناوین مختلفی از جمله سرمقاله، یادداشت، یادداشت روز، نگاه روز، نکته و ... به خود می‌گیرند. هنگام بررسی و تحلیل متون مطبوعاتی، سرمقالات از اهمیت خاصی برخوردارند، چرا که معمولاً توسط سردبیر یا مدیرمسئول روزنامه نوشته شده و بنابراین نمودی از نگاه عمیق‌تر و دیدگاه مالکان و مدیران روزنامه هستند. به عبارت دیگر، سرمقاله‌ها و یادداشت‌ها بیش از دیگر مطالب روزنامه مثل مصاحبه، گزارش، خبر و غیره دیدگاه آن روزنامه و گروه وابسته به آن را نشان می‌دهند. علاوه بر این سرمقالات صرفاً به گزارش یک رویداد نمی‌پردازند، بلکه نوعی قضاوت درباره آن رویداد نیز ارائه می‌دهند.

در این پژوهش، تعداد ۲۰ متن از روزنامه‌های اصلاح‌طلب و ۲۰ متن از روزنامه‌های محافظه‌کار مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است. روزنامه‌های منتخب گروه اصلاح‌طلب: صبح امروز، سلام، خرداد، آریا و روزنامه‌های منتخب گروه محافظه‌کار: کیهان،

رسالت، ابرار و قدس هستند. لازم به ذکر است که موضوع این متون، استیضاح عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت است. بازه زمانی این رویداد، حدود دو هفته، یعنی از اول اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ که طرح استیضاح در مجلس ارائه شد تا روزهای دوازدهم، سیزدهم که استیضاح به پایان رسیده بود، انتخاب شده. در این میان در روزهای سوم و هفتم، به علت تعطیلی روز جمعه و روزهای ششم و هفتم نیز به علت تعطیلی برای تاسوعا و عاشورای حسینی، روزنامه‌ای منتشر نشده است. بنابراین به علت کافی نبودن تعداد سرمقالات به خصوص در روزنامه‌های محافظه‌کار، تعدادی از داده‌ها نیز از میان مقاله‌های تحلیلی - خبری صفحات سیاسی روزنامه‌ها گزینش شده‌اند که این مقالات نیز تقریباً ساختاری همانند سرمقاله‌ها داشته و علاوه بر گزارش به قضاوت در این باره نیز پرداخته‌اند.

۲-۲. مؤلفه‌های مورد استفاده در پژوهش

۲-۲-۱. تعدی: تعدی یا گذرا یا ناگذرا بودن فعل، روابط بین شرکت‌کنندگان و نقش‌هایی که آن‌ها در فرآیندهای گزارش شده ایفا می‌کنند، را توصیف می‌کند. میلز (۱۹۹۵: ۱۴۴ - ۱۴۳، به نقل از ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۵۴) می‌گوید که مطالعه تعدی فعل، مربوط به این است که اعمال چگونه نمایش داده می‌شوند، چه اعمالی در یک متن ظاهر می‌شوند، چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد و درباره چه کسی انجام شده‌اند. در مطالعه تعدی فعل، نکته اساسی این است که مجموعه‌ای از انتخاب‌ها موجودند و هر متنی که تولید شده است، امکان این را داشته که به صورت دیگری تولید شود. یعنی انتخاب بین اینکه، چگونه شرکت‌کنندگان یک رویداد، نمایش داده شوند و خود آن رویداد چگونه باز نمود شود؛ که در فعل اصلی گروه منعکس می‌گردد. در هر عملی سه مؤلفه قابل تغییر وجود دارد:

۱. شرکت‌کنندگان در آن عمل، که نقش‌های آن‌ها معمولاً توسط گروه‌های اسمی مشخص می‌شود.

۲. خود عمل که توسط گروه فعلی نمایان می‌شود.

۳. موقعیت‌های مربوط به آن عمل که معمولاً توسط گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای، نشان داده می‌شوند (ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۵۵).

ریچاردسون همچنین میان خود عمل^۱ یا ماهیت عمل و چگونگی ساختار جمله در بیان آن تمایز قائل شده است. او معتقد است که یک عمل متعدی^۲ را می‌توان از نظر صوری هم به-

1.action

2.a transitive action

صورت معلوم و هم به صورت مجهول بیان کرد. در واقع، نظر او این است که ساختار صوری جمله تأثیری در ماهیت عمل ندارد و این دو از هم جدا هستند. مثالی که او می‌آورد این‌گونه است:

۱. جان توپ را پرتاب کرد. این جمله از نظر صوری می‌تواند به صورت مجهول نیز بیاید:
۲. توپ توسط جان پرتاب شد، و حتی عامل نیز می‌تواند حذف شود:
۳. توپ پرتاب شد.

ولی در این سه جمله عمل (پرتاب کردن) همچنان متعدی است (همان: ۵۵). او می‌گوید؛ این نوع تبدیل که در آن یک عمل متعدی، طوری تغییر کند که عامل حذف شود، تبدیلی است که به وفور در متون روزنامه‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، حذف عامل فقط در فرآیندهای دارای عمل متعدی روی نمی‌دهد، بلکه عامل می‌تواند در فرآیندهای کلامی (او اظهار کرد یا اظهاراتی بیان شدند)، یا فرآیندهای ذهنی (او پیشنهاد را در نظر گرفت یا پیشنهاد در نظر گرفته شد) نیز حذف شود.

هر تبدیلی از این دست صراحت و دقت جمله را کاهش می‌دهد. زبان به ما این امکان را می‌دهد که یک رویداد واحد را به صورت‌های متنوعی بیان کنیم. بنابراین ما می‌توانیم انتخاب کنیم که یک حادثه را به صورت یک عمل متعدی یا به صورت عملی رابطه‌ای بیان کنیم. هر کدام از این انتخاب‌ها معانی ضمنی مهمی را در خود دارند. در واقع مطالعات متعدد در روزنامه‌نگاری نشان داده است که اغلب این انتخاب‌ها، از اهمیت ایدئولوژیکی یا اجتماعی برخوردارند (همان: ۵۶).

ریچاردسون (۲۰۰۷: ۵۷) مثال جالبی درباره گزارش روزنامه‌های دو جناح در مورد اعتصاب کارگران معدن در بریتانیا در سال ۱۹۸۳، ارائه داده است. در روزنامه‌های جناح محافظه‌کار طرفدار دولت جملات اینگونه می‌باشند:

- الف) ۴۱ نفر از نیروهای پلیس در بیمارستان درمان شدند.
 - ب) اسب‌های پلیس و سواران آن‌ها با سنگ مورد حمله قرار گرفتند.
 - ج) اعتصاب کنندگان نیروهای پلیس را مورد حمله قرار دادند.
- همانطور که مشاهده می‌شود، پلیس در اینجا به عنوان مفعول و کنش‌پذیر عمل متعدی خشونت نشان داده شده است، در حالی که اعتصاب کنندگان عامل این خشونت ظاهر شده‌اند. حال گزارش‌های روزنامه‌های جناح چپ را می‌بینیم:
- الف) پلیس به گروه‌های متفرق شده کارگران معدن حمله کرد.

ب) هزاران کارگر معدن با باتوم مورد حمله قرار گرفتند.
 ج) دیروز سه هزار نفر از اعتصاب کنندگان اطراف کورتون گرد هم آمدند.
 همانطور که ملاحظه می‌شود در اینجا جای پلیس و اعتصاب کنندگان تغییر کرده است؛ اعتصاب کنندگان به عنوان پذیرنده و کنش‌پذیر اعمال خشونت آمیز پلیس قرار گرفته‌اند و جایی هم که عامل می‌باشند، در اعمال غیر خشونت آمیز دخیل‌اند.
 ما می‌توانیم موقعیت‌های مربوط به یک عمل را با زمینه‌سازی‌های^۱ بیشتر (به صورت گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای) و یا از طریق ساخت روابط معنایی یک عمل، تغییر دهیم (همان: ۵۷).

۲-۲-۲. ساختار جمله، وجهیت^۲: وجه به قضاوت‌ها، نظرات و نگرش‌ها در متن و گفتگو و به ویژه به میزان پایبندی گوینده یا نویسنده به ادعایی که می‌کند، اشاره دارد. همانطور که سیمیسون (۱۹۹۳: ۴، به نقل از ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۵۹) می‌گوید «وجه، عبارتست از نگرش یا نظر یک گوینده در مورد صحت گزاره‌ای که توسط یک جمله بیان می‌شود. وجه، همچنین به دیدگاه و نگرش آن‌ها در مورد موقعیت یا رویدادی که توسط یک جمله بیان می‌شود، نیز گسترش می‌یابد.» وجه، یک مرحله بیشتر را در تحلیل فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که نه تنها بین صورت و محتوا، ارتباطی برقرار است بلکه بین محتوا و نقش هم رابطه وجود دارد. وجه اغلب توسط کاربرد افعال وجهی، صورت منفی این افعال و همچنین استفاده از قیود، مشخص می‌شود.

لازم به ذکر است که در زبان فارسی، وحیدیان کامیار (۱۳۸۲) وجه را یک ویژگی جمله و نه فقط فعل می‌داند؛ تعریفی که او از وجه ارائه داده است عبارتست از «تلقی گوینده یا نویسنده از جمله، یعنی مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن یا نبودن فعل را وجه گویند.» در فارسی امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری وجود دارد. اگر گوینده به وقوع فعل یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح سازد یا به تعبیری بی‌طرف باشد آن فعل از وجه اخباری است. فعل در صورتی به وجه التزامی به کار می‌رود که وقوع آن به صورت الزام، تردید، آرزو، توصیه، شرط، دعا یا میل مطرح شود. جمله‌ای که در وجه التزامت با یکی از عوامل التزامی - ساز باید، شاید، کاش، اگر، مبدا و برخی از افعال چون خواستن و توانستن همراه است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲: ۵۵ - ۵۴).

ریچاردسون (۲۰۰۷: ۶۰) مقوله وجهیت را در زبان انگلیسی به دو دسته عمده وجه اخباری^۱ و وجه التزامی^۲، تقسیم کرده است و برای هر دوی آن‌ها پیوستاری در نظر می‌گیرد. او می‌گوید وجه اخباری می‌تواند از قطعیت کامل تا درجات مختلفی از احتیاط و در نهایت قطعیت کمتر تغییر کند. در مورد وجه التزامی او معتقد است این صورت به حوادث آینده اشاره دارد و اینکه گوینده یا نویسنده به چه میزان یا درجه‌ای به اینکه یک عمل خاص باید روی دهد یا تصمیم خاصی گرفته شود، اطمینان دارد. وجه التزامی نیز درجاتی دارد: از قطعیت کامل (برای مثال با کاربرد فعل must)، تا عبارات احتیاط آمیزتر (با کاربرد ought to). همچنین او می‌گوید ادعاهای قطعی دارای وجه اخباری (دارای واژه‌هایی چون باید، حتماً، ضرورتاً) نسبت به ادعاهای احتیاط آمیز، آمرانه‌تر بوده و بنابراین بیشتر در متون مطبوعاتی جنجال‌آمیز به کار می‌روند.

به‌طور خلاصه، او معتقد است که «انتخاب‌های وجهی نشان‌دهنده نگرش‌ها، قضاوت‌ها یا عقاید سیاسی نویسندگان/گویندگان می‌باشند؛ این انتخاب‌ها دریچه‌ای به سوی تأثیرات بالقوه سیاسی زبان روزنامه نگاری هستند» (همان: ۶۲).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

دو مؤلفه مذکور، یعنی تعدی و وجهیت در تمامی متون بررسی و تحلیل شدند که به علت کثرت تعداد متون و مثال‌ها در این بخش، در مقاله فقط تعدادی از آن‌ها برای نمونه آورده می‌شوند.

بررسی و مقایسه تعدی در متون دو گروه: در این بخش جملات به کار رفته در متون دو گروه در مورد طرح استیضاح مهاجرانی در مجلس و همچنین کسب مجدد رأی اعتماد بررسی و مقایسه می‌شوند.

الف) تعدی در جملات مربوط به طرح استیضاح در مجلس

روز گذشته دو تن از نمایندگان جناح راست در سخنان پیش از دستور خود در مجلس حملات شدیدی را علیه دولت و شخص آقای خاتمی ابراز کردند (صبح امروز ۷۸/۲۲).

در جلسه چهارشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی، سه تن از نمایندگان مجلس، رئیس جمهوری را به خاطر وضع وخیم اقتصادی مردم مورد حمله قرار دادند (خرداد، ۷۸/۲/۴).

یکی از دلایلی که نمایندگان استیضاح کننده وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی برای استیضاح ایشان مطرح کرده‌اند، کمرنگ شدن «ارزش‌ها» در جامعه به خصوص در میان جوانان، به واسطه عملکرد این وزارتخانه است (سلام، ۷۸/۲/۸).
بالاخره پس از مدتها انتظار، تقاضای استیضاح سید عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی نمایندگان راست‌گرای مجلس شورای اسلامی به هیئت رئیسه مجلس تقدیم شد (آریا، ۷۸/۲/۴).

همانطور که مشاهده می‌شود در این چهار جمله از متون اصلاح‌طلب، که مطرح شدن استیضاح را خبر می‌دهند، در سه جمله نمایندگان مستقیماً عامل جمله قرار گرفته‌اند و بر نقش آن‌ها تأکید شده و فقط در جمله آخر نقش نمایندگان با متمم‌سازی کمرنگ‌تر شده، ولی باز هم به نوعی نمایندگان عامل و مسئول هستند. حال به طرز بیان همین موضوع در روزنامه‌های محافظه‌کار می‌پردازیم.

استیضاح آقای مهاجرانی در حالی صورت می‌گیرد که از حدود یکسال قبل، انتقادهای اساسی به عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجامع و محافل مختلف و از جمله برخی مطبوعات وارد شده است (کیهان، ۷۸/۲/۲).
بحث استیضاح آقای عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد توجه مطبوعات طی روزهای اخیر بوده است (کیهان، ۷۸/۲/۸).

استیضاح آقای مهاجرانی فرصتی است تا بار دیگر شرایط فرهنگی کشور مورد بحث قرارگیرد و ببینیم از کجا به کجا رسیده ایم (رسالت، ۷۸/۲/۲).
اخیراً بحث استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است (رسالت، ۷۸/۲/۲).

در نوشتار گذشته، به مناسبت ارائه تقاضای استیضاح آقای مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دو اشکال عمده را در استراتژی فرهنگی پیش گرفته از سوی ایشان، باز شمردیم (رسالت، ۷۸/۲/۵).

همچنان که انتظار می‌رفت طرح استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس، موجب واکنش‌های خشم‌آلود و به دور از انتظار از سوی مجموعه روزنامه‌های جدیدالتأسیس گردید (ابرار، ۷۸/۲/۴).

استیضاح آقای مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با واکنش‌ها و بازتاب‌های متفاوتی در محافل سیاسی و فرهنگی جامعه مواجه گردیده است (قدس، ۷۸/۲/۴).

هفته گذشته تعدادی از نمایندگان مجلس با ارایه طرحی به مجلس، تقاضای استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را مطرح کردند (قدس، ۷۸/۲/۵).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در پنج جمله از این جملات، اصلاً نامی از نمایندگان آورده نشده و فقط بر خود استیضاح تاکید شده است. در دو جمله از سه جمله دیگر، نقش نمایندگان با متمم‌سازی کمرنگ شده و فقط در آخرین جمله نمایندگان عامل جمله قرار گرفته است. حال به بررسی تعدی جملات مربوط به رأی اعتماد می‌پردازیم.

ب) تعدی در جملات مربوط به کسب رأی اعتماد

رأی اعتماد مجدد مجلس به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مقطعی از دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی که از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است وضعیت جدیدی را در فضای سیاسی - اجتماعی ایران به وجود می‌آورد و... (صبح امروز، ۷۸/۲/۱۲).

امروز سرنوشت ادامه کار عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با رأی نمایندگان مجلس مشخص می‌شود (خرداد، ۷۸/۲/۱۱).

تحصیل رأی اعتماد آقای مهاجرانی از مجلس شورای اسلامی را باید حادثه مهمی در مناسبات سیاسی کشور قلمداد کرد (سلام، ۷۸/۲/۱۲).

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حالی موفق به کسب رأی اعتماد از مجلس می‌شود که... (سلام، ۷۸/۲/۱۲).

روز گذشته فرصتی برای وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی فراهم آمد تا در پاسخ به متن استیضاح تعدادی از نمایندگان محترم مجلس، از سیاست‌ها و برنامه های دولت آقای خاتمی در زمینه توسعه امور فرهنگی و مطبوعاتی دفاع کند (سلام، ۷۸/۲/۱۲).

آقای مهاجرانی در جلسه استیضاح مجلس در برابر سئوال‌ها و ابهام‌ها و انتقادهای متعدد استیضاح‌کنندگان، به شکلی که شایسته یک وزیر فاضل و لایق بود دفاع کرد (سلام، ۷۸/۲/۱۲).

... و طبیعی است که آرای نمایندگان تعیین‌کننده سرنوشت آقای مهاجرانی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود (کیهان، ۷۸/۲/۱۱).

دیروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با اکثریت آراء به استیضاح وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی رأی منفی دادند و در حالی که ۱۲۱ نماینده خواستار تغییر مسئولیت در این وزارتخانه بودند و هفت نماینده دیگر نیز، رأی ممتنع داشتند، ۱۳۵ تن از نمایندگان محترم مجلس بر تداوم مسئولیت آقای مهاجرانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید ورزیدند (کیهان، ۷۸/۲/۱۲).

اختلاف بر سر آن بود که جمع بیشتری از نمایندگان محترم اعتقاد داشتند به آقای مهاجرانی باید فرصتی دیگر داد... (رسالت، ۷۸/۲/۱۲).

امروز نمایندگان مجلس گرد هم می‌آیند تا صلاح کشور و مملکت را تعیین کنند و... (ابرار، ۷۸/۲/۱۱)

نمایندگان مجلس شورای اسلامی دیروز پس از شنیدن احتجاجات نمایندگان طرفدار استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین دفاعیات وی از کارنامه وزارتخانه تحت تصدی‌اش به ادامه کار وی رأی دادند (ابرار ۷۸/۲/۱۲).

... و در این میان اکثریت نمایندگان مجلس با موقعیت‌شناسی و تشخیص منبعث از دیدگاه‌های کارشناسانه، رأی به ادامه کار وزیر دادند (ابرار ۷۸/۲/۱۲).

... و به همین خاطر بود که نمایندگان مجلس با تکیه بر قول و اطمینان وزیر، مجدداً به وی رأی اعتماد دادند (ابرار ۷۸/۲/۱۲).

... و نمایندگان مجلس پس از استماع سخنان موافق و مخالف و دفاعیات وزیر ارشاد، در مورد ادامه کار وی در این وزارتخانه تصمیم‌گیری خواهند کرد (قدس، ۷۸/۲/۱۱).

همان‌طور که ملاحظه شد در جریان رأی اعتماد در روزنامه‌های اصلاح‌طلب در غالب موارد، مهاجرانی به عنوان عامل قرار گرفته است و بر نقش او در کسب رأی اعتماد تأکید شده، در واقع نویسندگان می‌خواهند بگویند این مهاجرانی است که موفق به کسب مجدد رأی اعتماد شده و نقش مجلس و نمایندگان در این جریان با متمم‌سازی یا حذف، کمرنگ شده است. اما

در روزنامه‌های محافظه‌کار دقیقاً عکس این امر مشاهده می‌شود. یعنی آن‌ها نمایندگان را عامل قرار داده‌اند و بر نقش آن‌ها و مجلس، در رأی اعتماد تأکید شده است، در حالی که سعی شده نقش مهاجرانی کمرنگ شود؛ نویسندگان می‌خواهند این مطلب را به مخاطب القا کنند که این نمایندگان‌اند که سرنوشت مهاجرانی و کار او را مشخص کرده‌اند

۴. بررسی و مقایسه وجهیت در متون دو گروه

در بررسی وجهیت نیز به علت گستردگی این مقوله، به بخش‌هایی تقسیم شده و مثال‌ها و نمونه‌ها به طور جداگانه بررسی می‌شوند. وجه به کار رفته غالب در جملات، وجه اخباری است. علاوه بر وجه اخباری، که معنای قطعیت و اطمینان را می‌رساند در متون دو گروه از وجه التزامی در معانی مختلف و به صورت‌های متفاوتی استفاده شده است. برای مثال در حالی که در متون اصلاح‌طلب از وجه التزامی در معنای عدم قطعیت و شک و تردید هنگام اظهار نظر در مورد صحت سخنان و دیدگاه‌های نمایندگان مطرح‌کننده طرح استیضاح و به طور کلی نمایندگان گروه مقابل استفاده شده است، در مقابل، در متون محافظه‌کار از همین صورت در مورد صحت سخنان و دیدگاه‌های مهاجرانی استفاده شده. یا در حالی که در متون اصلاح‌طلب از وجه التزامی در معنای عدم قطعیت و شک و تردید هنگام اظهار نظر در مورد امکان رفتن و برکناری مهاجرانی استفاده شده، در مقابل در متون محافظه‌کار از همین صورت در مورد امکان ماندن و ابقای مهاجرانی استفاده شده است. همچنین در حالی که در متون اصلاح‌طلب از وجه التزامی در معنای الزام و اجبار و پیشنهاد یا تحمیل وظیفه خطاب به نمایندگان مطرح‌کننده طرح استیضاح استفاده شده، در مقابل در متون محافظه‌کار از همین صورت خطاب به مهاجرانی در صورت کسب رأی اعتماد استفاده شده است. می‌توان گفت در متون هر دو گروه فقط یک نکته اشتراک وجود دارد و آن کاربرد وجه التزامی در معنای الزام و اجبار و پیشنهاد یا تحمیل وظیفه خطاب به کل نمایندگان است.

این تفاوت‌ها با ارائه مثال‌هایی در این بخش نشان داده می‌شوند.

الف) کاربرد وجه التزامی در معنای عدم قطعیت و شک و تردید هنگام اظهار نظر در مورد صحت سخنان و دیدگاه‌های نمایندگان مطرح‌کننده طرح استیضاح و به طور کلی نمایندگان گروه مقابل در روزنامه‌های اصلاح‌طلب با عناصر التزامی‌سازی چون اگر و غیره:

روزنامه صبح امروز، ۷۸/۲/۲: زیرا اگر نمایندگان جناح راست به فکر مردم بودند، طی چند سال محدود در دوره چهارم و پنجم مجلس بودجه خود را به بیش از ده برابر افزایش نمی‌دادند...؛ اگر آقایان طرفدار بهبود معشیت مردم بودند ...؛

اگر آقایان طرفدار اشتغال و خواهان رفع بیکاری هستند ...؛
سلام، ۷۸/۲/۱۸: اگر فرضیه کم رنگ شدن «ارزش‌ها» را درست بدانیم ...

ب) کاربرد وجه التزامی در معانی توصیه، پیشنهاد وظیفه، الزام و اجبار، اخطار و تهدید
خطاب به نمایندگان مطرح کننده طرح استیضاح و به طور کلی نمایندگان گروه مقابل در
روزنامه‌های اصلاح‌طلب:

روزنامه صبح امروز ۷۸/۲/۴: اگر کسی احساس می‌کند برخی کالاهای ضروری
فرهنگی تولید نمی‌شوند و یا به اندازه کافی تولید نمی‌شوند. خوب بهتر است
آستین بالا بزند و خودش این کار را انجام دهد.

خوب است آقایان از خود بی‌پرسند چرا با این همه امکانات نتوانسته‌اند کالای
فرهنگی تولید کنند که مورد توجه قرار گرفته و جامعه را اشباع کرده و هدایت و
اصلاح کند؟

خرداد، ۷۸/۲/۴: آنان باید بدانند که این فضای آزاد در دو سال اخیر که البته
حق نمایندگان مجلس و هم مطبوعات و هم همه مردم است به آقایان این امکان را
می‌دهد...

سلام، ۷۸/۲/۱۱: اما کسانی که امروز با تمسک به این «حق» در صدد انسدادهای
فضای سیاسی و فرهنگی کشورند. باید بدانند که در لحظه موعود نیز مردم از «حق
قانونی» شان استفاده خواهند کرد.

آریا، ۷۸/۲/۴: ... محافظه‌کاران در خواهند یافت که می‌بایست به همان استعفای
احمد بورقانی، معاون قدرتمند مهاجرانی اکتفا کرده و راه رایزنی و مصالحه را با این
وزیر مصالحه‌گر دولت خاتمی در پیش می‌گرفتند.

پ) کاربرد وجه التزامی در معنای اجبار و الزام و یادآوری و یا تحمیل وظیفه خطاب به کل
نمایندگان در روزنامه‌های اصلاح‌طلب:

روزنامه صبح امروز ۷۸/۲/۴: ... نمایندگان ملت باید توجه داشته باشند که تا چه حد خواسته
های ملتی را که مشروعیت خویش را از آن‌ها گرفته‌اند در نظر گرفته و معیار قرار داده‌اند.
سلام، ۷۸/۲/۹: مجلس باید خواسته موکلین خود را با نظر به نتایج انتخابات
شوراهای تشخیص دهد و خدای ناکرده دوباره به نفی فلسفه وجودی خود نپردازد.

ت) کاربرد وجه التزامی در معنای عدم قطعیت و احتمال و تردید در مورد عدم تحصیل رأی اعتماد و برکناری مهاجرانی در روزنامه‌های اصلاح‌طلب:

روزنامه صبح امروز ۷۸/۲/۴: ...حتی در صورتی که وزیر محترم ارشاد نیز تغییر نماید...

خرداد، ۷۸/۲/۸: اگر مهاجرانی هم در جلسه روز ۱۱ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی استیضاح شود...

سلام، ۷۸/۲/۱۲: اگر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجلس رأی اعتماد نمی‌گرفت...

آریا ۷۸/۲/۸: اگر مهاجرانی روز شنبه به جای وزارتخانه به سوی دانشگاه و تحقیق برود...

ج) کاربرد وجه التزامی در معنای اجبار و الزام و یادآوری و یا تحمیل وظیفه خطاب به کل نمایندگان در روزنامه‌های محافظه‌کار:

کیهان، ۷۸/۲/۲: ...هیچ نماینده‌ای نمی‌تواند از وضع آشفته فرهنگ کشور اظهار رضایت کند.

نکته‌ای که به یقین هیچکدام از نمایندگان موافق و مخالف - و حتی نمایندگان بی‌رأی و ممتنع - نمی‌توانند و نباید ضرورت آن را انکار کنند.

رسالت، ۷۸/۲/۲: هیچ‌کس نمی‌تواند نگرانی خود را از ساختار شکل گرفته شده در عرصه فرهنگ کشور پنهان کند. هرچند مسائل فرهنگی بطنی و تدریجی شکل می‌گیرد اما نباید سهم مؤثر سیاست‌گذاری‌های سال‌های اخیر را نادیده گرفت.

قدس، ۷۸/۲/۱۱: انتظار می‌رود نمایندگان موافق و مخالف و شخص آقای مهاجرانی در مجموعه سخنان خود در صحن مجلس از طرح مسائل جناحی و گروهی بپرهیزند و اجازه دهند دیدگاه‌های متفاوت پیرامون وضعیت فرهنگی کشور به‌طور شفاف مطرح شود تا نمایندگان محترم بتوانند در فضایی مناسب نسبت به سیاست‌های فرهنگی کشور تصمیم‌گیری کنند.

ح) کاربرد وجه التزامی در معنای اجبار و الزام، تذکر و توصیه همراه با اخطار خطاب به نمایندگان جناح اصلاح‌طلب و کل جناح در روزنامه‌های محافظه‌کار:

کیهان ۷۸/۲/۹: نمایندگانی که در جریان استیضاح وزیر ارشاد به چیزی جز مصالح عالی نظام می‌اندیشند در اندیشه و عمل خود تجدید نظر کنند و بگذارند رأی به استیضاح وزیر ارشاد از اخلاص برخوردار باشد.

کیهان، ۷۸/۲/۱۲: به یقین نمایندگان محترمی که دیروز به استیضاح وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، رأی مخالف داده و بر ابقای ایشان تأکید کرده‌اند، نمی‌توانند وجود ناهنجاری‌های خطرآفرین و حرکات مرموز و تهدید کننده در عرصه فرهنگ و هنر کشور را انکار کنند...

(خ) کاربرد وجه التزامی با معنای عدم قطعیت و شک و تردید در مورد درستی عملکرد مهاجرانی در روزنامه‌های محافظه‌کار:

کیهان ۷۸/۲/۱۹: آقای مهاجرانی از ابتدا بر شعار تساهل و تسامح تأکید کرد. حتی اگر در این شعار حق یاران انقلاب و مخالفان با ارزش‌های نظام مساوی در نظر گرفته می‌شد قابل تحمل‌تر بود.

(د) کاربرد وجه التزامی با معنای الزام و اجبار و پیشنهاد یا تحمیل وظیفه خطاب به مهاجرانی در روزنامه‌های محافظه‌کار:

کیهان، ۷۸/۲/۱۱: منطقی‌ترین برخورد این است که ضمن بازنگری در سیاست‌های فرهنگی یکی دو سال گذشته، ریشه عواملی که موجب رنجش خاطر دین‌داران و وفاداران به اسلام و انقلاب شده خشکانده شود.

رسالت، ۷۸/۲/۵: وزارت فرهنگ برای یاری رساندن به رئیس دولت نمی‌بایست اجازه دهد که عرصه مطبوعات که می‌تواند به مهد آزادی تبدیل شود، به جایگاه پراکنش بی‌اعتمادی، خصومت جناحی و گروهی و عدم توافق بر روی اصول و فروع، مبدل گردد.

رسالت، ۷۸/۲/۱۲: ... و اینک امیدواریم ایشان برای ایجاد ارتباط و برقراری تفاهم با این جمع کثیر و رو به افزایش، تدبیری جتئی بیندیشد.

ابرار ۷۸/۲/۱۲: در واقع رأی اعتماد مجدد نمایندگان، در حکم فرصت دوباره‌ای به وزیر ارشاد می‌باشد که وی به یک خانه‌تکانی همه‌جانبه در وزارت ارشاد بپردازد و عوامل و عناصری که موجب نگرانی محافل و مجامع انقلابی و اصولگرا و نمایندگان مردم شدند، از طیف وزارتخانه حذف نماید.

وزیر ارشاد باید به نیکویی از این فرصت بهره گیرد و به طور احسن به تطهیر وزارتخانه‌اش بپردازد.

قدس، ۷۸/۲/۵: قطعاً، آقای مهاجرانی، از دیدگاه استیضاح کنندگان در مورد بسیاری از این مسائل، باید پاسخ دهد.

... آقای مهاجرانی نمی‌تواند خود را بر کنار از مجموعه اقداماتی بداند که با انگیزه پررنگ جناحی و حزبی، حمله علیه نیروهای ارزشی انقلاب را هدف خود قرار داده است.

قدس، ۷۸/۲/۱۱: نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ماندن آقای مهاجرانی می‌تواند در برابر تهاجم وسیع علیه مبانی اعتقادی مردم احساس بی‌تفاوتی و تسامح کند.

ذ) کاربرد وجه التزامی با معنای عدم قطعیت و احتمال در مورد امکان تحصیل رأی اعتماد توسط مهاجرانی در روزنامه‌های محافظه‌کار:

رسالت، ۷۸/۲/۲: چه آقای مهاجرانی رأی اعتماد نمایندگان را جلب کند و ... علاوه بر کاربرد وجه التزامی در معانی گوناگون که به آن‌ها اشاره شد، در متون دوگروه کاربرد وجه اخباری که معنای اطمینان و قطعیت را می‌رساند به وفور دیده می‌شود. نکته قابل توجه این است که در هر دو گروه، وجه اخباری در مورد نادرست بودن اعمال، سخنان و دیدگاه‌های طرف مقابل و همچنین درست بودن اعمال، سخنان و دیدگاه‌های گروه خودی به کار رفته است. یعنی نویسندگان متون همگی این پیش فرض را در ذهن داشته‌اند که گروه خودی و تمامی اعمالشان مثبت است و گروه مقابل و اعمالشان منفی.

۵. نتایج پژوهش

در تجزیه و تحلیل داده‌ها تمامی متون براساس، مؤلفه‌های مذکور بررسی و تحلیل شدند که نتایج حاصل از آن‌ها بدین شرح است:

نتایج حاصل در بررسی داده‌ها، درباره ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی عبارتند از: الف) در روزنامه‌های اصلاح‌طلب، هنگامی که در مورد طرح استیضاح مهاجرانی در مجلس صحبت می‌شود، نمایندگان به عنوان عامل جمله قرار گرفته‌اند و همواره بر نقش آن‌ها تأکید شده است، جملات به صورت معلوم با عامل نمایندگان به کار رفته‌اند و معمولاً از افعال منفی

چون «حمله کردند» و غیره استفاده شده است. ولی در روزنامه‌های محافظه‌کار، معمولاً جملات به صورت مجهول بدون عامل آمده‌اند یا با متمم‌سازی و غیره نقش نمایندگان کمرنگ شده است، و تأکید بیشتر بر خود استیضاح بوده تا اینکه چه کسانی آن را مطرح کرده‌اند. یعنی در واقع، اصلاح‌طلبان که مخالف استیضاح بودند، آن را یک عمل منفی می‌دانند که با تأکید بر عامل این عمل، می‌خواهند بر نکات منفی آن‌ها یعنی گروه مقابل تأکید کنند.

درباره نتیجه استیضاح و رأی اعتماد، بر عکس این بار در روزنامه‌های اصلاح‌طلب بر کسب مجدد رأی اعتماد تأکید شده و مهاجرانی به عنوان عامل جملات آورده شده است. نقش نمایندگان در این امر کمرنگ یا به طور کلی حذف شده است و بر اینکه این مهاجرانی است که موفق به کسب مجدد رأی اعتماد شده، تأکید شده است. در مقابل، در روزنامه‌های محافظه‌کار، نمایندگان به عنوان عامل جملات قرار گرفته‌اند و بر نقش آن‌ها در دادن رأی اعتماد تأکید و نقش مهاجرانی کمرنگ شده است. به طور کلی بر این نکته تأکید شده که این نمایندگان بودند که به مهاجرانی رأی اعتماد دادند.

ب) درباره وجهیت نیز نتایج به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ در متون محافظه‌کار به هنگام صحبت در مورد امکان تحصیل رأی اعتماد، از وجه التزامی با معنای احتمال و تردید استفاده شده است، یعنی آن‌ها در مورد کسب رأی اعتماد شک داشته و در واقع معتقدند مهاجرانی رأی اعتماد نمی‌گیرد، درحالی‌که دقیقاً برعکس، در متون اصلاح‌طلب هر گاه در مورد امکان عدم تحصیل رأی اعتماد صحبت می‌شود، از وجه التزامی با معنای احتمال و تردید استفاده شده است، یعنی آن‌ها در مورد امکان عدم تحصیل رأی اعتماد تردید دارند و در واقع معتقدند که مهاجرانی رأی اعتماد می‌گیرد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که، در متون اصلاح‌طلب در مورد صحت سخنان و دیدگاه‌های نمایندگان استیضاح‌کننده، از وجه التزامی با معنای عدم قطعیت و شک و تردید استفاده شده، یعنی آن‌ها سخنان نمایندگان استیضاح‌کننده را قبول نداشته و در صحت آن شک دارند، همچنین خطاب به نمایندگان استیضاح‌کننده از وجه التزامی با معنای توصیه، تذکر همراه با هشدار و اخطار استفاده شده است. در صورتی که در روزنامه‌های محافظه‌کار، همین موارد در رابطه با مهاجرانی و خطاب به او دیده می‌شود، یعنی در متون محافظه‌کار، صحت سخنان و دیدگاه‌های مهاجرانی از وجه التزامی با معنای عدم قطعیت و شک و تردید استفاده شده و همچنین خطاب به مهاجرانی از وجه التزامی با معنای توصیه، تذکر همراه با هشدار و اخطار استفاده شده است. نکته دیگر اینکه، در متون محافظه‌کار خطاب به نمایندگان

اصلاح‌طلب از وجه التزامی با معانی الزام، اجبار و پیشنهاد یا تحمیل وظیفه استفاده شده، در حالی که در مقابل در متون اصلاح‌طلب، خطاب به نمایندگان محافظه‌کار از وجه التزامی با معانی الزام، اجبار و پیشنهاد یا تحمیل وظیفه استفاده شده است.

علاوه بر کاربرد وجه التزامی در معانی گوناگون، که به آن‌ها اشاره شد، در متون دو گروه، کاربرد وجه اخباری که معنای اطمینان و قطعیت را می‌رساند به وفور دیده می‌شود. نکته قابل توجه این است که در هر دو گروه، وجه اخباری در مورد نادرست بودن اعمال، سخنان و دیدگاه‌های طرف مقابل و همچنین درست بودن اعمال، سخنان و دیدگاه‌های گروه خودی به کار رفته است. یعنی نویسندگان متون همگی این پیش فرض را در ذهن داشته‌اند که گروه خودی و تمامی اعمالشان مثبت است و گروه مقابل و اعمالشان منفی.

در نهایت اینکه تمامی این انتخاب‌های زبانی، علاوه بر اینکه تفاوت در زیربنای فکری و عقاید و اهداف تولیدکنندگان متون را می‌رساند، به صورت آگاهانه انجام شده و در راستای هدف و مقصود مورد نظر نویسنده و القای ایدئولوژی او به مخاطب هستند. بنابراین پژوهش‌هایی اینچنین می‌تواند به خوانندگان و مخاطبان رسانه‌ها کمک کند تا آگاهانه و با هوشمندی بسیار، متون رسانه‌ها و مطبوعات را مطالعه کرده و معقولانه و با درایت کامل درباره حوادث قضاوت کرده و دیدگاه خود را شکل دهند.

منابع

- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- غلامرضا کاشی، عبدالله (۱۳۷۹) مطبوعات در عصر خاتمی: از مرداد ۷۶ تا مرداد ۷۹، تهران: انتشارات سلک.
- میلز، سارا (۱۳۸۲) گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران: انتشارات هزاره سوم.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۲) دستور زبان فارسی (۱)، تهران: انتشارات سمت.

Fairclough, Norman (1992) Discourse and Social change, London: Polity.

Fairclough, Norman (1995) Media Discourse, London: Hodder Arnold Publishing

Fairclough, Norman (1995) Critical Discourse Analysis, London: Longman

Fairclough, Norman (2001) "Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research" in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis, London: SAGE Publications Ltd: 121 - 139

Fairclough, Norman (2003) Analyzing Discourse: Textual Analysis for social research, London: Routledge Publishing

Johnstone, Barbara (2008) Discourse Analysis, Blackwell publishing

Richardson, John E (2007) Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis, New York: Palgrave Publishing

Wodak, Ruth, Mayer, Michael (2001) Methods of Critical Discourse Analysis, London: SAGE Publications Ltd:

Wodak, Ruth (2001) " the Discourse – Historical Approach " in Wodak. R, Mayer.M, and Methods of Critical Discourse Analysis, London: SAGE Publications Ltd: 63 – 95

Wodak, Ruth (2001) " what is CDA about – a summary of its history, important concepts and its developments " in Wodak. R, Mayer. M, Methods of Critical Discourse Analysis, London: SAGE Publications Ltd.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی